یادداشت روز

بسیج؛ پیروز در سه میدان جنگ

هفته بسیج امسال متفاوت از همه این سال‌هاست. هر سال درحالی به استقبال هفته بسیج می‌رفتیم که فرماندهان و بسیجیان به شوق دیدار با امام، مقتدا و فرمانده خویش لحظه‌شماری می‌کردند تا از نفس مسیحایی آن عزیز توشه یک سال خود را برگرفته و با انرژی مضاعف برای سالی دیگر و خدمت در عرصه‌های مختلف آماده باشند. اما افسوس که دشمن بدطینت و زبون، این گوهر ناب و فروزان را از ما گرفت و با وجود برخورداری از گوهری دیگر، هنوز این خیل عظیم عاشق از توفیق دیدار حضوری و استشمام از فضای معنوی معظم‌له محروم هستند. آذرماه و فرمان تشکیل «بسیج مستضعفین» توسط امام راحل، حکیم و خوش‌ضمیر انقلاب، یادآور پدیده‌ای بی‌بدیل در هندسه قدرت دفاعی و امنیتی دنیای معاصر است؛ ابتکاری الهی که موازنه‌های کهنه و کلاسیک جهان مادی را بر هم زد و فرمول جدیدی از قدرت ملی متکی بر ایمان، اخلاص و حضور توده‌های مؤمن را به میدان آورد. بسیج از نخستین روزهای حیات خود تاکنون، صخره‌ای ستبر در برابر امواج فتنه‌ها و تجاوزات اردوگاه سلطه بوده است. مروری بر کارنامه درخشان این نهاد مقدس نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی دست‌کم در سه آوردگاه بزرگ نظامی و تمام‌عیار از دفاع مقدس هشت‌ساله تا دو مصاف نفس‌گیر متأخر یعنی «نبرد ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان» طعم پیروزی، بقا و عزت خویش را مدیون رهنمودهای الهی امام شهید و جوشش خون پاک بسیجیان و ایثار بی‌دریغ این پابرهنگان که صاحبان اصلی انقلابند، بوده است.

۱- امام شهید و والامقام انقلاب، (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه) که عمر پربرکت خود را در مسیر اعتلای این شجره طیبه صرف نمودند، همواره بر نقش و «آمادگی همه‌جانبه بسیج» تأکید داشتند. ایشان در یکی از بیانات ماندگار خود در دیدار با بسیجیان (۵ آذر ۱۳۹۸) چنین می‌فرمایند: «بسیج در همه میدان‌ها، هم در میدان دفاع، هم در میدان علم، هم در میدان خدمات، پیشرو است.» ایشان بسیج را «بدنه فعال ملت» می‌نامیدند که دشمن از حضور آن در «کف میدان» وحشت دارد. با درک همین فرمایش امام شهید بود که در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، بدنه بسیج فعال بود و با حضور در ایست‌های بازرسی و حراست از مراکز حساس، مانع از اجرای طرح «آشوب‌های خیابانی» عوامل میدانی دشمن شد.

۲- در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، رژیم بعث عراق نه به‌تنهایی، بلکه به‌عنوان سرپنجه نیابتی و فریب‌خورده نظام سلطه به‌ویژه آمریکا و حامیان شرقی و غربی آن به مصاف نهال نوپای انقلاب اسلامی آمد. دکترین اتاق‌های فکر واشنگتن و ناتو چنین فرض کرده بودند که ارتش ازهم‌گسیخته پساانقلاب توان ایستادگی در برابر سپاه مجهز و صدها تیپ زرهی و تسلیحات پیشرفته میراژ، سوپراتاندارد و گازهای اعصاب و خردل آلمانی که در اختیار بعثی‌ها قرار گرفته بود را نخواهد داشت. اما آنچه محاسبات پنتاگون و ژنرال‌های بعث را درهم شکست، حضور خروشان اقیانوس بسیج بود. بر اساس اسناد و آمارهای افتخارآمیز دوران دفاع مقدس، از مجموع افزون بر ۲۱۳ هزار شهید گلگون‌کفن آن نبرد تاریخی، نزدیک به نیمی از شهدا (قریب به ۹۰ هزار شهید سرافراز) را بسیجیان دلاور، دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان پرشور تشکیل داده بودند که بی‌هیچ چشم‌داشت مادی و تنها با لبیک به ندای امام عزیز و ولی فقیه خویش، راهی خطوط مقدم شده بودند. حضور بیش از دو میلیون بسیجی در جبهه‌های غرب و جنوب و مشارکت تعیین‌کننده آنان در عملیات‌های تاریخ‌ساز از شکستن حصر آبادان در «ثامن‌الائمه» گرفته تا آزادسازی خرمشهر در «الی بیت‌المقدس» تا عبور اعجازگونه از اروندرود در «والفجر ۸» تا درهم کوبیدن خطوط نفوذناپذیر شلمچه در «کربلای ۵» فرمول جنگ‌های کلاسیک را دگرگون ساخت. بسیج در دفاع مقدس نه صرفاً یک نیروی رزمنده، بلکه روح جاری در کالبد خطوط مقدم، مظهر معنویت شب‌های عملیات و الگوی تبدیل تهدیدات وجودی به فرصت‌های تمدنی بود که امروز هنوز از برکات آن روزها توشه برمی‌چینیم.

۳- اگر در جنگ هشت‌ساله، آمریکا در پشت پرده حمایت از صدام معدوم، فرماندهی عملیات علیه ایران اسلامی را عهده‌دار بود، در تحولات اخیر و مصاف‌های نوپدید، دست چدنی استکبار از دستکش مخملین بیرون آمد. در نبرد ۱۲ روزه و سپس در جنگ ناجوانمردانه رمضان که با وجود آتش‌بس شکننده، پیامدها و آرایش آن همچنان پابرجاست، ماهیت تهدیدات به‌کلی دگرگون شد. این بار دشمن به جنگ ترکیبی، حملات هوایی فوق‌مدرن، ترورهای هدفمند، بمباران زیرساخت‌های حیاتی و تلاش برای ایجاد فروپاشی امنیتی از درون روی آورد. در نبرد ۱۲ روزه، رژیم صهیونیستی با آتش پشتیبانی اطلاعاتی و ماهواره‌ای سنتکام کوشید شیرازه فرماندهی و اراده ملی ایران را هدف قرار دهد؛ اما باز هم این تشکل مردمی بسیج بود که در خط مقدم صیانت از جبهه داخلی و امنیت ملی سینه سپر کرد. دشمن غدّار به‌خوبی می‌دانست که برای تسلیم کردن ایران، باید عقبه مردمی نظام را بشکند؛ از همین رو، ماهیت اهداف خود را از پایگاه‌های مرزی به قلب شهرها و حتی زیرساخت‌های خدمت‌رسانی تغییر داد. کینه‌توزی عریان صهیونیست‌ها تا آنجا پیش رفت که مقرهای مرکزی بسیج، پایگاه‌های مقاومت محلی و حتی گشت‌ها و ایست‌های بازرسی شبانه را آماج پرتابه‌های نقطه‌زن و ترورهای کور قرار دادند؛ رویدادی که به شهادت مظلومانه ده‌ها تن از فرماندهان و بسیجیان مخلص این نهاد مردمی انجامید.

۴- شاید برای ناظران نظامی کلاسیک در غرب، این پرسش مطرح باشد که چرا یک ارتش مدعی فناوری با مدرن‌ترین جنگنده‌ها و پهپادهای شناسایی، پست‌های بازرسی بسیج در تقاطع خیابان‌ها و مقرهای شهری را در جنگ رمضان هدف قرار می‌دهد؟ پاسخ، روشن و عبرت‌آموز است:

الف) دشمن در اتاق‌های عملیات مشترک تل‌آویو و واشنگتن طراحی کرده بود که پس از ضربات موشکی و سایبری، با فعال‌سازی هسته‌های نفوذی، خرابکاری و استفاده از تروریست‌های انتحاری و اراذل اجاره‌ای، آشوب‌های شهری را شعله‌ور سازد و از درون، جامعه منسجم ایران را دچار شکاف کند. آنچه این طراحی پیچیده را در نطفه خفه کرد، حضور هوشیارانه و شبانه‌روزی جوانان بسیجی در قالب صدها گشت امنیتی و ایست‌های بازرسی در سراسر کلان‌شهرها و اقصی نقاط این مرز و بوم بود.

ب) شلیک به ایست‌های بازرسی و پایگاه‌های مقاومت، اعتراف صریح و درمانده دشمن به کارایی شگفت‌انگیز این شبکه مردمی در تثبیت امنیت اجتماعی بود. آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها دیدند که حتی در زیر باران موشک‌ها و پرتابه‌ها، این جوان بسیجی بی‌ادعا است که با چفیه‌ای بر گردن و سلاحی بر دوش، حافظ آرامش کودکان و امنیت محلات است، این بود که هدف قراردادن این مراکز و اماکن را در دستور کار خود قرار داد. در جریان جنگ رمضان، رژیم جنایتکار صهیونیستی مقرهای سازمان بسیج و سنگرهای دفاع شهری را بمباران کرد تا به زعم خود انگیزه نیروها را بشکند. اما شهادت جمعی از رشیدترین چهره‌ها و فرزندان بسیج در این نبرد، نه‌تنها سنگرها را خالی نکرد، بلکه سیل خروشان دیگری از داوطلبان غیور را به میدان‌های دفاع و خدمت سرازیر کرد. خون مطهر این شهیدان نشان داد که بسیج همچنان سپر بلای ملت است؛ اگر در خوزستان و کردستان روی مین می‌رفت تا معبر باز کند، امروز در تهران، کرج، شیراز و اقصی‌نقاط مرزی و شهری سینه خود را در برابر بمب‌های دشمن سپر می‌کند تا امنیت خانه هم‌وطنانش خدشه‌دار نشود.

۵- تجربه این سه جنگ تاریخی حامل پیامی راهبردی و بنیادین است که دشمن از درک آن عاجز است:

الف) انقلاب اسلامی به برکت تفکر بسیجی دارای عمق راهبردی پایان‌ناپذیری در درون جامعه است که با هیچ ضربه سخت و نرمی متلاشی نخواهد شد. تفکری که در آن شهادت، خسارت نیست؛ بلکه بالاترین پیروزی و زاینده قدرت ملی است.

ب) محاسبات دشمن درباره «تغییر نسل» در ایران دچار خطای فاحش شناختی است. همان اخلاص و مقاومتی که در سیمای «حسین فهمیده‌ها» و «بهنام محمدی‌ها» در سال‌های دفاع مقدس اول می‌درخشید، امروز در سیمای مدافعان جوان امنیت همچون «محمد حسین عزیزی» و «حسین جعفری» در جنگ رمضان متجلی است؛ جوانانی که نسل سوم و چهارم انقلاب‌اند اما در پایمردی، بیرق‌داری و شهادت‌طلبی گوی سبقت را از پیشینیان ربوده‌اند.

ج) حفظ و تعمیق هویت بسیج و پشتیبانی همه‌جانبه از این سرمایه عظیم ملی، وظیفه تخطی‌ناپذیر همه ارکان نظام و مسئولان اجرایی است. هر جا به نیروی مردمی، روحیه جهادی و ایمان انقلابی اعتماد شد، بن‌بست‌ها شکسته شد و هر جا نسخه بیگانه و انفعال جایگزین گشت، هزینه‌ساز شد. و چه هوشمندانه، رهبر معظم انقلاب در حکم حجت‌الاسلام طائب به‌عنوان فرمانده بسیج، مأموریت این نیروی مردمی را از جنبه داخلی و جهانی ابلاغ می‌فرمایند که: «تعمیق و گسترش فرهنگ بسیج و مقاومت به منظور تحقق شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» با استفاده از ظرفیت آحاد مردم مبعوث‌شده و اقشار میلیونی جانفدا در راستای ایران قوی و متحد و حفاظت از انقلاب اسلامی» و همچنین «ترویج فرهنگ بسیجی به‌عنوان الگوی مقاومت و پایداری مردمی در سراسر جهان در برابر استکبار صهیونی-آمریکایی» باید مبنای عمل بسیج در برنامه‌ریزی‌ها و اجرا باشد.

بسیج تاکنون نشان داده است که در هر سه آوردگاه، «مرد میدان» بحران‌هاست؛ نیرویی که شکست در قاموسش معنا ندارد، چرا که متصل به سرچشمه ولایت و امیدوار به نصرت الهی است و تا این چشمه جوشان ایمان و این صفوف به‌هم‌پیوسته اراده مردمی در این خاک پاک جاری است، هیچ خواب پریشانی برای این کشور و ملت تعبیر نخواهد شد.

حسن رشوند

کیهان بررسی کرد

جنگ اگر قطعی است چرا ضربه اول را ما نزنیم؟!

سرویس سیاسی-

با توجه به آرایش جنگی دشمن آمریکایی-صهیونی، تداوم محاصره و عملیات روانی پیرامون بمب کثیف و سدها، انتظار برای حمله دشمن خطاست و ایران باید با در دست گرفتن ابتکار عمل، ضربه اول را وارد کند.

شواهد میدانی، تحرکات نظامی آمریکا، پرونده‌سازی‌های اطلاعاتی و رجزخوانی‌های مقامات کاخ سفید همگی از یک واقعیت روشن حکایت دارند؛ اینکه دشمن آمریکایی-صهیونی آرایش جنگی گرفته و در حال تکمیل هم‌زمان آمادگی لجستیکی و بهانه‌تراشی برای آغاز دور جدیدی از تجاوز علیه ایران است.

از یک‌سو رئیس رژیم تروریست آمریکا صراحتاً از «نابودی ایران» سخن می‌گوید، وزیر خزانه‌داری را در پادگان مستقر می‌کند و بر محاصره دریایی و هوایی سماجت می‌کند و از سوی دیگر، حملات هوایی محدود در جنوب کشور و عملیات گسترده جنگ شناختی پیرامون «بمب کثیف» و «سدهای ایران» در رسانه‌های غربی مثل نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان کلید خورده است. در چنین شرایطی و با توجه به تجربه دو بار تجاوز و تحمیل جنگ آن هم در میانه مذاکرات، پرسش کلیدی و راهبردی این است که وقتی شواهد نشان می‌دهد جنگ قطعی و قریب‌الوقوع است، چرا ما باید دست روی دست بگذاریم، منتظر شلیک اول واشنگتن بمانیم و ابتکار عمل «ضربه اول» را به دشمن واگذار کنیم؟!

پروژه مشروعیت‌سازی برای جنگ و پرچم دروغین

بررسی تحرکات اخیر واشنگتن و تل‌آویو نشان می‌دهد دشمن پیش از هرگونه اقدام نظامی گسترده، در حال چیدن قطعات پازل جنگ شناختی است تا افکار عمومی جهان را برای تجاوز آماده کند. طی روزهای گذشته، شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی ادعا کرد که ایران در حال بررسی استفاده از «بمب کثیف» در واشنگتن است؛ ادعایی که بلافاصله در رسانه‌های آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی بازتاب یافت.

با این حال، گزارش اخیر روزنامه نیویورک‌تایمز پرده از پشت‌پرده این فضاسازی برداشت و فاش کرد که محور اصلی ادعاها درباره تهدیدهای شیمیایی و بیولوژیک ایران، اطلاعاتی است که رژیم صهیونیستی به واشنگتن داده است. «رونن برگمن»، خبرنگار نزدیک به محافل اطلاعاتی تل‌آویو، در این گزارش نوشت که بنیامین نتانیاهو به‌شدت ترامپ را تحت فشار گذاشته تا در یک دور از حملات ۴ تا ۷ روزه علیه ایران مشارکت کند. این اعتراف رسانه‌های آمریکایی به‌خوبی نشان می‌دهد که یک عملیات «پرچم دروغین» در دستور کار قرار دارد تا نخست‌وزیر شکست‌خورده صهیونیست‌ها از بحران داخلی فرار کند.

در کنار این پرونده‌سازی امنیتی، دستگاه سیاست خارجی آمریکا نیز در حال تراشیدن شناسنامه تاریخی و تمدنی برای جنگ است. سخنرانی ماه گذشته مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، در تپه پنیکس آتن و ارجاع او به جنگ‌های ایران و یونان باستان و حمله خشایارشا، تلاشی آشکار برای دوقطبی‌سازی تمدنی و تحریک اروپا جهت همراهی با ماشین جنگی واشنگتن بود.

جدیدترین حلقه این زنجیره نیز گزارش هدفمند نیویورک‌تایمز درباره سدهای ایران است که بدون ارائه کوچک‌ترین سند، مدعی شده سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران برای تأمین نیاز شهرهای موشکی ساخته شده‌اند. هدف از این فضاسازی روشن است: فراهم کردن بهانه برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های حیاتی آب و برق ایران؛ همان تهدیدی که ترامپ در ۱۷ تیرماه درباره نابودی آب‌شیرین‌کن‌های ایران مطرح کرد و پیش‌تر نیز یک مقام آمریکایی در گفت‌وگو با آکسیوس از قطع آب و برق ایران با چند سورتی پرواز سخن گفته بود!

ناکامی محاصره و وحشت پنتاگون از هزینه جنگ

دشمن پس از آنکه در نبرد رمضان نتوانست اراده تهران را در هم بشکند، اکنون به محاصره دریایی و هوایی روی آورده تا به خیال خود از طریق خفگی اقتصادی، ایران را به تسلیم وادارد.

روزنامه وال‌استریت ژورنال به نقل از مقامات آمریکایی نوشت که کارزار فشار اقتصادی و محاصره دریایی ممکن است نیاز دولت ترامپ به عملیات نظامی گسترده را برطرف کند. اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد محاصره دریایی نه یک اهرم کم‌هزینه برای آمریکا، بلکه باتلاقی پرخرج است که آثار خفگی اقتصادی آن بیش از ایران، دامن آمریکا، اروپا و اقتصاد جهانی را گرفته است.

بر اساس گزارش رسمی «آرتور میلر»، مقام بودجه‌ای پنتاگون به کنگره، هزینه جنگ تا ۱۳ نوامبر از ۴۸.۳ میلیارد دلار فراتر رفته است. «هونگ کائو»، سرپرست وزارت نیروی دریایی آمریکا نیز اعتراف کرده است که تنها هزینه روزانه محاصره دریایی ایران برای واشنگتن ۳۲.۵ میلیون دلار است؛ رقمی نجومی که بدون هیچ تضمینی برای عقب‌نشینی تهران، بر دوش مالیات‌دهندگان آمریکایی سنگینی می‌کند.

از سوی دیگر، خسارت ۵ تا ۱۵ میلیارد دلاری به تأسیسات آمریکا در منطقه، آسیب ۴۰۰ میلیون دلاری به مقر ناوگان پنجم در بحرین و ناتوانی پنتاگون در ارزیابی کامل این خسارات، اعتبار بازدارندگی ایالات متحده را زیر سؤال برده است.

این فشارها به‌قدری سنگین بوده که پایگاه تحلیلی «اوپن‌دموکراسی» فاش کرد پنتاگون از بیم آسیب‌پذیری زیرساخت‌های خود در برابر توان ایران، مجبور شده ۱۲ بمب‌افکن راهبردی «بی-۱بی لنسر» را از پایگاه فیرفورد بریتانیا به خاک آمریکا بازگرداند و ۱۰ هواپیمای سوخت‌رسان را از پایگاه میلدنهال تخلیه کند؛ اقدامی که مسیر پرواز بمب‌افکن‌های آمریکایی را ۸ هزار مایل طولانی‌تر و عملیات آن‌ها را به‌شدت دشوار می‌سازد.

در داخل آمریکا نیز طبق نظرسنجی رویترز و ایپسوس، ۷۱ درصد مردم خواهان تصویب قانونی در کنگره برای توقف جنگ هستند و شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نشان داد که ترامپ در ضعیف‌ترین موقعیت سیاسی خود قرار دارد.

همچنین گزارش «باراک راوید» در آکسیوس تأیید می‌کند که کاخ سفید با کابوس حمله ویرانگر ایران به تأسیسات نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج‌فارس دست‌به‌گریبان است و از پنتاگون پرسیده آیا گزینه‌ای وجود دارد که این واکنش را برنینگیزد؟!

چرا ضربه اول؟

با کنار هم قرار دادن این واقعیت‌ها، مشخص می‌شود که وضعیت کنونی «نه جنگ و نه صلح» نیست؛ محاصره دریایی که ترامپ خود از آن به‌عنوان «دزدی دریایی» یاد کرده، یک اقدام جنگی تمام‌عیار است. تجربه دو بار غافلگیری و تحمیل جنگ در میانه مذاکرات ثابت کرده است که دل بستن به پنجره‌های تاریک دیپلماسی، تنها به دشمن فرصت می‌دهد تا آرایش تهاجمی خود را تکمیل کرده و در زمان دلخواه ضربه بزند. امروز که ظرفیت خط تولید موشکی کشور چندین برابر زمان جنگ ۴۰ روزه است و دشمن در اوج آسیب‌پذیری سیاسی، اقتصادی و عملیاتی قرار دارد، منتظر ماندن برای حمله آمریکا خطایی راهبردی است. تهران باید با ابتکار عمل میدانی، معادله را تغییر دهد و «ضربه اول» را با چند محور اساسی به دشمن وارد کند:

- نخستین گام، شکستن عملی خط محاصره است. حمله به زیرساخت‌های انرژی کشورهای عربی که خاک و حریم هوایی خود را در اختیار ماشین جنگی آمریکا گذاشته‌اند، محاصره را از یک فشار یک‌طرفه به بحرانی ویرانگر برای اقتصاد غرب تبدیل می‌کند. افزون بر این، مسدودسازی باب‌المندب با هم‌افزایی جبهه مقاومت، شریان حیاتی اقتصاد جهانی را در اختیار تهران قرار می‌دهد.

- در دکترین ضربه اول، هیچ پایگاه، ناو جنگی یا مرکز پشتیبانی متعلق به آمریکا و متحدانش نباید در حاشیه امن باشد. در جنگ قبلی، ۲۶ پایگاه و مرکز نظامی آمریکا در منطقه هدف قرار گرفت؛ در گام جدید، این حملات باید بدون محدودیت جغرافیایی گسترش یابد و تمام عقبه لجستیکی، سامانه‌های راداری، پایگاه‌های هوایی و ناوهای آمریکایی در دریاها و اقیانوس‌ها را در بر بگیرد.

- بر اساس منطق ساخته‌شده از سوی خود آمریکایی‌ها در گزارش نیویورک‌تایمز که نزدیکی مراکز نظامی به سدها را مجوز حمله می‌داند، تمام سدها، مخازن آب و تأسیسات آب‌شیرین‌کن کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی نیز به دلیل تأمین آب نیروهای متجاوز، اهدافی با کاربری دوگانه محسوب می‌شوند. از تأسیسات آب‌شیرین‌کن الدور، الحد و ستره در بحرین و سدهای الطوبین و وادی حام در امارات گرفته تا سدهای ملک فهد و رابغ در عربستان و دریاچه طبریه و سد دگانیا در سرزمین‌های اشغالی و حتی زیرساخت‌های آبی کشورهای اروپایی شریک در تجاوز، همگی در تیررس پاسخ متقابل قرار دارند.

- تنگه هرمز و آب‌های خلیج‌فارس نه‌تنها گلوگاه انتقال ۲۰ درصد انرژی جهان، بلکه «ستون فقرات اینترنت بین‌الملل» است؛ جایی که بیش از ۹۵ درصد ترافیک داده‌ها، تراکنش‌های بانکی، سرویس‌های ابری و ارتباطات دیتاسنترها از طریق کابل‌های فیبر نوری زیردریایی آن عبور می‌کند.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس که اقتصادهای پسانفتی خود را بر بستر این کابل‌ها بنا کرده‌اند و میزبان پایگاه‌های سنتکام هستند، در برابر هرگونه اختلال در این شاهراه دیجیتال به‌شدت شکننده‌اند. هدف قرار دادن این گلوگاه ارتباطی، هزینه‌ای فلج‌کننده و غیرقابل‌تحمل بر ماشین جنگی و اقتصادی دشمن و متحدان منطقه‌ای آن تحمیل خواهد کرد.

امروز تمام نشانه‌ها از قطعی بودن تقابل حکایت دارد. در چنین میدانی، پیروزی از آن کسی است که ابتکار عمل را در دست بگیرد، محاسبات دشمن را در نطفه خفه کند و اجازه ندهد واشنگتن و تل‌آویو زمان و مکان نبرد را تعیین کنند.

باید ابتکار عمل را در دست بگیریم

وقتی کاخ سفید هم‌زمان در حال چینش قطعات جنگ شناختی با پرچم‌های دروغین، پرونده‌سازی علیه زیرساخت‌های حیاتی و تحمیل زنجیره محاصره است، انتظار و طرح‌ریزی دوروزه، به معنای واگذاری زمین بازی به دشمنی است که در میدان‌های قبلی بارها عهدشکنی و خیانت خود را ثابت کرده است. هزینه‌های سرسام‌آور جنگ برای پنتاگون، ترک‌های جدی در بازدارندگی آمریکا، نگرانی از واکنش تلافی‌جویانه علیه شریان‌های انرژی و ارتباطات، و بن‌بست سیاسی در واشنگتن نشان می‌دهد ابرقدرت فرسوده آمریکا بیش از آنکه در موضع قدرت مطلق باشد، در باتلاق محاسبات غلط خود گرفتار شده است.

در چنین بزنگاهی، دکترین «ضربه اول» نه یک شعار هیجانی، بلکه ضرورتی راهبردی برای برهم زدن قواعد زمانی و مکانی دشمن و تحمیل هزینه‌ای بازدارنده و غیرقابل‌تحمل به متجاوز و شرکای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اوست. از شکستن عملی محاصره و هدف قرار دادن پاشنه آشیل‌های انرژی و زیرساختی گرفته تا ضربه بدون محدودیت جغرافیایی به منافع متجاوزان و مختل کردن شریان‌های حیاتی اقتصاد و ارتباطات، همگی ابزارهایی هستند که معادله را به نفع ایران تغییر می‌دهند. در منطق نبرد اراده‌ها، پیروزی از آنِ جبهه‌ای است که پیش از تکمیل ضربهٔ حریف، ابتکار عمل را در دست بگیرد و هزینه‌های جنگ را به نقطه‌ای برساند که ادامه آن برای دشمن ناممکن شود. در این مقطع حساس باید همچون یک شطرنج‌باز ماهر، پیش از آنکه حریف دست به مهره ببرد، با «ضربه اول» بازی جنگ را به سود خود رقم بزنیم!

گفت و شنود

مواظب تابوت باشید!

گفت: رسانه‌های رژیم صهیونیستی با استناد به نتیجه یک نظرسنجی از صهیونیست‌های ساکن فلسطین اشغالی اعلام کرده‌اند که نفرت از نتانیاهو رو به افزایش است و درخواست برای برکناری او شدت گرفته است.

گفتم: دیگه چی؟!

گفت: بسیاری از صهیونیست‌ها معتقدند که راه‌اندازی جنگ علیه ایران امنیت را از آنها گرفته است و در وحشت به‌سر می‌برند و بیش از یک میلیون نفر هم از ترس موشک‌های ایران برای همیشه از فلسطین اشغالی گریخته‌اند و دیگر باز نمی‌گردند و...

گفتم: دیگه چی؟!

گفت: شایع شده که نتانیاهو یک‌بار از کشته‌شدن نجات یافته است!

گفتم: باید مراقب باشند که این دفعه دیگر کارش را تمام کنند! یارو مرده بود و هنگامی که تابوتش را حمل می‌کردند، تابوت از دستشان افتاد و یارو که سکته کرده بود، بر اثر آن ضربه جان گرفت ولی چند ماه بعد فوت کرد و این‌بار مسئول مراسم دفن هشدار داد که مواظب باشید دوباره تابوت از دستتان نیفته!

عراقچی:

ذخایر اورانیوم ما متناسب با نیازها مورد استفاده قرار می‌گیرد

وزیر امور خارجه ایران بیان کرد که اورانیوم غنی‌شده متناسب با نیاز کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی درباره روند مذاکرات و طرح ایران برای پایان درگیری‌ها اظهار داشت: پس از طی مسیری طولانی به یادداشت تفاهم اسلام‌آباد رسیدیم که هر دو رئیس‌جمهور نسخه‌های آن و حتی متن فارسی را امضا کردند؛ اما با نقض یکی از بندهای مهم از سوی آمریکا، شرایط دوباره به سمت درگیری رفت.

به گفته او، هم ایران و هم طرف آمریکایی انگیزه ادامه مسیر بر مبنای آن تفاهم را از دست دادند و این سند اکنون روی میز نیست و موضوعیت اجرائی ندارد، هرچند تعهدات پذیرفته‌شده در آن و اثرگذاری اجرایشان بر هموار شدن توافق نهائی همچنان مورد قبول دو طرف است.

عراقچی افزود: بر همین اساس، تعهدات آمریکا در تفاهم اسلام‌آباد را همراه با مسائل جدیدی مانند درخواست لغو تحریم‌های تازه، در قالب طرح هفت‌روزه با شروط هفت‌گانه برای بازگشایی تنگه هرمز تنظیم کردیم که در عمل شمار مواردش اندکی بیشتر از هفت مورد است. طبق این طرح، آمریکا در پنج یا شش روز نخست تعهدات را اجرا می‌کرد، در روز ششم تنگه هرمز باز می‌شد و از روز هفتم مذاکرات توافق نهائی آغاز می‌شد. این طرح اوایل مهرماه در سفر نیویورک به‌صورت غیرمستقیم و از طریق واسطه قطری به طرف آمریکایی ارائه شد و طی حدود دو ماه پیام‌ها ردوبدل شد؛ آمریکایی‌ها با خواسته‌های ایران موافق بودند به شرط افزودن برخی خواسته‌های خود برای گفت‌وگو در توافق نهائی.

وزیر امور خارجه با اشاره به انتخابات آمریکا گفت: با توصیه واسطه‌ها برای کوتاه‌تر کردن زمان‌بندی، طرح هفت‌روزه به طرح دو روزه تبدیل شد تا در صورت اجرای تعهدات آمریکا در روز اول، تنگه هرمز در روز دوم باز شود و مذاکرات آغاز شود؛ مذاکراتی که قرار بود از روز دوم شروع شود و بدون سقف زمانی ثابت مانند بازه ۶۰ روزه تفاهم اسلام‌آباد، تا حصول نتیجه ادامه یابد.

آمریکایی‌ها پاسخ مساعدی به طرح دو روزه ما ندادند

رئیس دستگاه دیپلماسی بیان کرد: طرح دو روزه حدود ۱۰ روز پیش از انتخابات آمریکا ارائه شد و اگر پذیرفته می‌شد، تحولات بعدی شکل دیگری می‌گرفت، در حالی که برای ایران پیروزی یا شکست نامزدها مهم نبود و منافع ملی در اولویت قرار داشت. به گفته او، واشنگتن به دلیل فضای انتخاباتی، درک نادرست یا فراهم نبودن شرایط، پاسخ مساعدی نداد تا انتخابات برگزار شود.

عراقچی تأکید کرد: طرح دو روزه در صورت جدیت آمریکا برای توافق همچنان روی میز است، اما تحولات اخیر از جمله اظهارات ترامپ درباره عدم تمایل به توافق باید تعیین تکلیف شود.

او افزود: حتی پیش از آن توئیت نیز پاسخی دریافت نکرده بودیم و اگر طرف آمریکایی جدی است، نخست باید موضع خود را اصلاح و صریحاً اعلام کند خواهان توافق است و در کنار آن، اقدامات اعتمادساز انجام دهد تا این بار تفاوتی با تجربه‌های پیشین وجود داشته باشد؛ در صورت تحقق این دو شرط، درباره اجرای طرح و جزئیات آن حتی در سطح کارشناسی یا تغییر زمان‌بندی به یک روز یا دو ساعت گفت‌وگو خواهیم کرد، اما شرط بازگشایی تنگه هرمز تحقق خواسته‌های ایران است.

نتانیاهو بقای خود را در سه‌باره‌شدن جنگ می‌بیند

عراقچی با توصیف فضای سیاسی آمریکا به‌عنوان محیطی بسیار پیچیده گفت: در کاخ سفید جناح‌های گوناگونی ترامپ را به سمت دیدگاه خود می‌کشانند؛ یک جریان موافق جنگ است و نتانیاهو با رایزنی روزانه و طرح توطئه‌های تازه می‌کوشد آمریکا را به درگیری بکشاند. او ادعاهایی درباره حمله ایران با بمب شیمیایی به واشنگتن، ترور رهبران ایران یا پنهان کردن موشک زیر سدها را بی‌اساس و مضحک خواند و گفت: با این حال برخی مقام‌های سیاسی آمریکا مانند وزیر خزانه‌داری تغییر محل زندگی به پایگاه نظامی را در پیش می‌گیرند.

وزیر خارجه افزود: نتانیاهو بقای سیاسی خود را در شعله‌ور شدن سه‌باره جنگ می‌بیند، در حالی که جریان دیگری خواهان مسیر دیپلماسی است و گروهی دیگر فشار اقتصادی و تحریم را برای وادارساختن ایران به تسلیم دنبال می‌کنند و ترامپ نیز میان این رویکردها جابه‌جا می‌شود.

ایران برای ذخایر اورانیوم خود خطوط قرمز دارد

عراقچی درباره پرونده هسته‌ای و اورانیوم غنی‌شده گفت: امکان دستیابی به فرمول حل مسئله وجود دارد، اما خط قرمز اصلی این است که مواد هسته‌ای از کشور خارج نشود و ذخایر متناسب با نیازهای ایران به‌کار گرفته شود. او پیشنهادهای واسطه‌ها را دارای نقاط قوت و ضعف متفاوت دانست و افزود: این موضوع باید در قالب یک بسته بررسی شود و تصمیم‌گیری نهائی پس از طی مراحل در کمیته مذاکرات و شورای عالی و تبدیل شدن به مصوبه نظام اجرا خواهد شد.

بازنگری در عضویت ایران در ان‌پی‌تی یک بحث جدی برای کشور است

عراقچی بحث بازنگری در عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را جدی و راهبردی خواند و گفت: موافقان تغییر دکترین هسته‌ای استدلال می‌کنند عضویت در ان‌پی‌تی، نظارت پادمانی و آژانس مانع حمله به تأسیسات هسته‌ای نشده است، در حالی که مدافعان حفظ وضعیت کنونی و همچنین روسیه و چین دیدگاه‌های مخالف و منطق خود را دارند. به گفته او، طرح این موضوع در فضای کارشناسی و نخبگانی مفید است، اما موضع رسمی و دکترین ایران تاکنون تغییری نکرده است.

نمی‌توان در عرصه دیپلماسی پیروزی را به طرف مقابل تقدیم کرد

وزیر امور خارجه وضعیت «نه جنگ، نه صلح» را نامطلوب دانست و گفت: برای خروج از آن باید به سمت توافقی شرافتمندانه و عزتمندانه حرکت کرد که عزت کشور را زیر سؤال نبرد و همان‌طور که در جنگ مقاومت شد و اجازه پیروزی به طرف مقابل داده نشد، در توافق نیز نباید پیروزی به طرف مقابل تقدیم شود، هرچند توافق بر پایه بده‌بستان متقابل شکل می‌گیرد.

کشورهای منطقه نمی‌خواهند جنگ مداوم باشد

عراقچی با رد روایت آمریکا درباره اینکه کشورهای منطقه خواستار ادامه فشار و تحریم علیه ایران به جای جنگ هستند، گفت: همه کشورهای منطقه پس از تجربه جنگ ۴۰ روزه با جنگ مخالف‌اند، اما صلح پایدار زمانی محقق می‌شود که همه‌شمول باشد و توسعه و امنیت همه کشورها را دربر گیرد. او برقراری رابطه امارات با اسرائیل را اشتباه راهبردی دانست و افزود: تجربه این جنگ نشان داد پایگاه‌های نظامی خارجی امنیت نمی‌آفرینند و امنیت منطقه باید درون‌زا، جمعی و همراه با رفاه مشترک باشد.

رفت‌وآمدهای میانجی‌ها ادامه دارد

عراقچی گفت: قطر و پاکستان به‌عنوان واسطه پیام‌ها و پیشنهادها را میان ایران و آمریکا منتقل می‌کنند و این رفت‌وآمدها طبیعی است، هرچند هر پرواز از قطر یا کشورهای دیگر به معنای حضور میانجی نیست و بخشی از سفرها به دلیل محدودیت‌های پروازی، پروازهای چارتر هیئت‌های اقتصادی است.

به گزارش ایرنا، وی دیدارهای علنی از جمله گفت‌وگو با عاصم منیر در پاکستان و هیئت قطری را طبیعی دانست و تأکید کرد: کانال‌های ارتباطی صرفاً به قطر و پاکستان محدود است و تمامی تماس‌ها و گزارش‌ها تحت نظارت و تصمیم‌گیری مراجع مسئول در کشور دنبال می‌شود.

آسیب به جنگنده F۱۶ آمریکا با شلیک سامانه‌های پدافند ارتش

روابط‌عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران از آسیب به جنگنده F۱۶ آمریکایی و لغو مأموریت آن با شلیک سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوائی ارتش خبر داد.

روابط عمومی ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: شامگاه جمعه، سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوائی ارتش مستقر در جنوب کشور، تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوائی کشور، موفق به کشف و شناسایی یک فروند جنگنده F۱۶ آمریکایی بر فراز خلیج‌فارس شدند.

به گزارش فارس، در جریان این عملیات، سامانه‌های پدافندی پس از رهگیری F۱۶ آمریکایی، اقدام به شلیک موشک به سمت آن کردند که در پی انفجار موشک در مجاورت این هواگرد، جنگنده آمریکایی متجاوز دچار آسیب شده و خلبان آن ناچار به لغو مأموریت و فرود اضطراری در یکی از نزدیک‌ترین فرودگاه‌های منطقه شد.

خبر ویژه

شنژن «کیک قدرت» را به کام جریان تسلیم تلخ کرد!

پیش از برگزاری نشست شنژن، جریان غرب‌گرا و برخی رسانه‌های مدعی اصلاح‌طلبی با راه انداختن موج «وا ایرانا»، تصویری از یک «تهران و یالتای جدید» ترسیم می‌کردند که در آن قدرت‌های بزرگ، ایران را به عنوان «کیک نظم نوین» میان خود تقسیم می‌کنند.

در همین رابطه، روزنامه «شرق» و هم‌سویانش با دمیدن در شیپور «روسیه هراسی و چین هراسی»، مدعی بودند مسکو و پکن در ازای امتیازگیری از واشنگتن، ایران را در معادلات پشت‌پرده قربانی می‌کنند و مسیر را برای فشار همه‌جانبه و گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا هموار می‌سازند؛ ادعایی که هدفش جابه‌جایی مصداق دشمن و القای بن‌بست به افکار عمومی بود.

اما پایان نشست شنژن و قرائت بیانیه پایانی، خطای راهبردی و توهم‌زدگی این جریان را عیان ساخت. برخلاف پیش‌بینی‌های دلسردکننده، نه خبری از دیکته‌هایی درباره تنگه هرمز، فشار حداکثری و استمرار محاصره بود و نه نشانی از خواسته‌هایی نظیر خلع سلاح هسته‌ای یا توقف غنی‌سازی. واقعیت میدان نشان داد که غرب‌زدگان هنوز جمهوری اسلامی را با ایران سال ۱۳۲۲ و حاکمیت دست‌نشانده آن اشتباه می‌گیرند و از درک جایگاه کشوری که با اتکا به انسجام ملی و قدرت دفاعی بازدارنده در برابر ابرقدرت‌ها ایستاده، عاجزند.

همان‌گونه که محمد مخبر، دستیار و مشاور رهبر انقلاب، در واکنش به این رویداد تاکید کرد، پیام روشن اجلاس شنژن این بود که آمریکا دیگر توان یارکشی علیه ایران را ندارد و حنای واشنگتن حتی برای متحدان و وابستگان منطقه‌ای‌اش نیز رنگی ندارد. ایران امروز نه «کیک تقسیم قدرت» دیگران، بلکه بازیگری قَدَر و اثرگذار است که معادلات را رقم می‌زند؛ حقیقتی که جریان تسلیم باید آن را بپذیرد و با عینک واقع‌بینی به جهان بنگرد!

رقابت تنگاتنگ «نیویورک‌تایمز» و «سی‌ان‌ان» در لیگ انتشار اراجیف

دروغ‌گوی حرفه‌ای، یک گزاره کذب را میان ۹۹ حقیقت محض و مسلم پنهان می‌کند؛ فرمولی که رسانه‌های آمریکا در به‌کارگیری آن تبحر دارند.

۱۶ نوامبر، رسانه آمریکایی «نیویورک تایمز» با گزارشی متوهمانه، حمله احتمالی به تاسیسات و سدهای ایران را پیشاپیش توجیه کرد؛ این رسانه با تیتر «شاید جنگ، پاسخی برای معمای دیرینه سدهای ایران باشد که بدون دلیل مشخصی ساخته شده‌اند» نوشت: «نیما شکری، متخصص امنیت آب، و گروه پژوهشی او در دانشگاه صنعتی هامبورگ آلمان، سال‌ها بود که تعداد غیرمعمول سدها در ایران را زیر نظر داشتند؛ شبکه‌ای که دست‌کم ۵۳۳ سد را شامل می‌شود... او گفت: این موضوع همیشه برایم معما بود. چرا آن‌ها این‌همه سد می‌ساختند؟... امسال هنگام مرور اخبار جنگ در کشورش، پرسش قدیمی‌اش جای خود را به پرسشی تازه داده بود: چرا به نظر می‌رسد هر جا سدی داریم، در نزدیکی آن حمله موشکی هم اتفاق افتاده است؟». این رسانه آمریکایی در ادامه نتیجه گرفت: «هفت کارشناس حوزه آب و مسائل نظامی که روزنامه نیویورک‌تایمز با آن‌ها گفت‌وگو کرده است، می‌گویند استقرار تأسیسات نظامی پیشرفته و گسترده در نزدیکی سدها، که تأمین مستمر آب و برق را ممکن می‌کنند، اقدامی منطقی به نظر می‌رسد».

یک روز پس از انتشار این گزارش، «سی‌ان‌ان» دیگر رسانه آمریکایی گوی سبقت را از نیویورک‌تایمز ربود و در گزارشی خیالی مدعی شد: «ایران در حال توسعه برنامه‌هایی برای هدف قرار دادن مقامات ارشد دولت ترامپ با انفجار یک بمب کثیف یا سلاح شیمیایی در واشنگتن دی‌سی است».

این گزارش در حالی منتشر شد که «لورن بیس»، سخنگوی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد که «ایالات متحده هرگونه تهدید بالقوه را زیر نظر دارد، اما در حال حاضر هیچ تهدید معتبری علیه خاک آمریکا وجود ندارد».

دونالد ترامپ که در سیاه کردن چهره ایران تخصص دارد و از هر بهانه‌ای به این منظور بهره می‌گیرد، با ادعای سی‌ان‌ان همراهی نکرد، او در پاسخ به خبرنگاری که ادعای سی‌ان‌ان را مجدداً مطرح کرد، گفت: «نمی‌دانم. مطمئن نیستم. شایعه‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه آن‌ها در حال ساخت یک بمب کثیف هستند».

رسانه‌های آمریکایی بار دیگر نشان دادند که چگونه می‌توان یک گزاره کذب و ادعای اثبات نشده را میان انبوهی از اطلاعات ظاهراً مستند پنهان کرد تا افکار عمومی برای پذیرش هر سناریویی آماده و جنایات جنگی پیشاپیش توجیه شود.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

*از نگاه ایران، ادامه محاصره دریایی در حکم اقدام جنگی است. این تصور که واشنگتن می‌تواند به سادگی وضعیت موجود را حفظ کند، همزمان به اعمال فشار اقتصادی بر ایران ادامه دهد و انتظار داشته باشد تهران منفعل باقی بماند، نشان‌دهنده درک نادرست و بنیادین از محاسبات راهبردی ایران مقتدر است.
خویش‌دوست

* دکترین دفاعی جدید اعلام شده از سوی رهبر معظم انقلاب مبنی بر پاسخ به دشمن بدون توجه به محدودیت‌های جغرافیایی به معنای برخورداری جمهوری اسلامی از شبکه موشکی و پهپادی پیشرفته و عمق عملیاتی نامتقارن است که هر نقطه‌ای از منافع و پایگاه‌های ایالات متحده و عمق شکننده و فاقد عمق استراتژیکِ رژیم صهیونی را در معرض فروپاشی و انهدام قطعی قرار می‌دهد.
کردلو

*ایران برای شکستن محاصره دریایی باید اقدام بکند. اگر قرار باشد ما نتوانیم نفت بفروشیم، دیگران هم نباید بتوانند بفروشند.
خانلری

* اقتدار رهبری، پشتوانه‌ای برای اقتدار کشور است. رهبری انقلاب اسلامی آن نخ تسبیحی است که همه دانه‌های تسبیح را می‌تواند گردهم آورده و مانع از تشتت و تفرقه شود.
رشیقی

* یحیی ابوزکریا، اندیشمند الجزایری، در چهارمین نشست بین‌المللی «بعثت امت محمد» با تشریح نقش پیامبران و جریان‌های مقاومت در تاریخ بشر، ظهور انقلاب اسلامی در ایران را عاملی برای احیای اسلام، بازگرداندن مفهوم عزت به مسلمانان و زنده شدن روح مبارزه با ظلم دانسته است. واقعیت هم این است که بیشتر ناراحتی آمریکا بابت الگو قرار گرفتن انقلاب اسلامی برای سایر مبارزین جهان می‌باشد.
رضوانی

* آمریکا به خوبی می‌داند که استمرار درگیری، بحران شدید انرژی، جهش بهای نفت و تورم افسارگسیخته را به درون اقتصاد ایالات متحده پمپاژ کرده و موج نارضایتی عمومی و خطر رکود را به دنبال خواهد داشت. همچنین در حوزه فناوری نظامی نیز اسطوره مصونیت تجهیزات گران‌قیمت واشنگتن به‌شدت آسیب دیده است.
رحیم‌نواز

*توسل ترامپ به گزاره‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی نظیر «عجله‌ای برای حمله ندارم» و اعتراف به تمایل برای دستیابی به توافق، صرفاً سرپوشی بر بن‌بست راهبردی کاخ سفید و متحدانش است. دشمنان به روشنی درمی‌یابند که تکرار ماجراجویی نظامی، هزینه‌ای فاجعه‌بار و غیرقابل مهار برای آنان به دنبال خواهد داشت.
هلاوی

* ضرباتی که آمریکایی‌ها در جریان جنگ رمضان متحمل شدند، به خوبی نشان می‌دهد حضور نظامی این کشور می‌تواند حتی به باری پرهزینه و ناامن برای آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شود. چرا که جمهوری اسلامی ایران امروز در نقطه‌ای اقتدارآفرین قرار دارد و به‌راحتی می‌تواند رژیم صهیونی و آمریکا را به چالش‌های بنیادین بکشاند.
زادسر

*هدف آمریکا این جرثومه فساد قرن حاضر، تنها مبارزه با اسلام و عدالت‌خواهی مسلمانان جهان نیست، آمریکا در فکر غارت سرمایه جهان است و هر سرزمین و حکومتی هدف تجاوز اوست.
بابامرادی

*رئیس کمیسیون اروپا گفته بسته بودن تنگه هرمز ۱۲۷ میلیارد یورو برای این قاره هزینه داشته است. وی توضیح داده وقتی نفت و گاز وارد می‌کنیم، در واقع شوک‌ها و بحران‌هایی را که با آنها همراه هستند نیز وارد می‌کنیم.
میردامادی

* الیعزر ماروم، فرمانده پیشین نیروی دریایی رژیم صهیونی و پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی بگین- سادات، با اشاره به محدود بودن دستاوردهای احتمالی حمله جدید به ایران اعلام کرده هرگونه حمله جدید به ایران، دستاورد ملموسی در پرونده هسته‌ای این کشور به همراه نخواهد داشت.
نایبی

* دشمنان ایران باید تفهیم شوند هرگونه حمله دیگر آمریکا علیه ایران دیوانگی محض است و از همه مهم‌تر نه تنها منطقه بلکه جهان، بهای سنگینی برای آن خواهد پرداخت.
پوردامغان

* بر اساس داده‌های منتشر شده، ذخایر نفت خام روی آب جهان، طی چهار هفته گذشته حدود ۴۷ میلیون بشکه کاهش یافته است. مقایسه این رقم با مدت مشابه سال گذشته نیز از افت ۱۲۸ میلیون بشکه‌ای حکایت دارد. افت همزمان ذخایر نفت روی آب، مخازن خشکی و موجودی پالایشگاه‌ها می‌تواند توازن عرضه و تقاضا را تحت تأثیر قرار دهد و زمینه افزایش قیمت‌ها در ماه‌های آینده را فراهم کند.
خباز

* نشانه‌های فرسایش حمایت از ترامپ در داخل اردوگاه جمهوری‌خواهان قابل توجه است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد سهم جمهوری‌خواهانی که حمایت از شخص ترامپ را بر حمایت از حزب ترجیح می‌دادند، از ۶۳ درصد به ۳۴ درصد کاهش یافته است.
عادلخواه

* یکی از صدها دستاورد مقاومت و دفاع ایران در دو جنگ تحمیلی آمریکا برعلیه ایران، این است که کشورهای منطقه خلیج‌فارس به این باور رسیده‌اند که ایران را نمی‌توان از معادلات امنیتی خلیج‌فارس حذف کرد. عربستان نیز در پی میانجی‌گری ایران در پرونده یمن شده است. چراکه بدون نقش‌آفرینی تهران، مهار تنش‌ها برای سعودی‌ها ممکن نخواهد بود.
ارسلانی

* جواب محکم و نقطه‌زن آقای بقایی سخنگوی محترم وزارت خارجه در واکنش به مطرح‌شدن موضوع ایران در نشست چین، روسیه و آمریکا مانند موشک بر فرق دشمنان عمل کرد. از ایشان سؤال می‌شود آیا عجیب نیست که ایران موضوع صحبت سه قدرت جهانی باشد؟ این دیپلمات بلافاصله جواب داده خیر. سه قدرت جهانی قرار است در مورد قدرت جهانی چهارم صحبت بکنند.
قجرزاده

* درود خداوند بر مردم فهیم و رشید آبدانان که در پی حادثه تلخ واژگونی اتوبوس کارکنان NGL دهلران، با حضور بموقع خویش در خیابان‌های شهر، ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های جان‌باختگان، اجازه ندادند این حادثه به حاشیه‌سازی و اختلاف‌افکنی تبدیل شود.
آصف

* حادثه اتوبوس آبدانان که چند کشته به جا گذاشت، می‌رفت که توسط دشمن تبدیل به فتنه بشود. دشمن بعد از ناکامی در جنگ ۱۲ روزه، مقدمات ۱۸ و ۱۹ دی را فراهم کرد تا بتواند جنگ ۴۰ روزه را به پا کند و حالا بعد از ناکامی مجدد در جنگ ۴۰ روزه، تلاش می‌کند یک ناآرامی دیگر ایجاد کند تا بدون فوت وقت و همزمان حمله رو آغاز نماید.
گلستانی

* حادثه غمباری که برای اتوبوس دهلران اتفاق افتاد، قطعاً برای تک تک مردم و مسئولین کشور و به‌ویژه استان ایلام و شهرستان آبدانان تلخ و جانکاه بود. اما به هیچ عنوان نباید اجازه داد، دشمنانی که با بمب و موشک جان هزاران ایرانی را گرفتند حالا اشک تمساح بریزند و دنبال اهداف مغرضانه و تجزیه‌طلبانه خود باشند.
چوپانی

* در این اوضاع حساس، ایجاد نارضایتی در مردم، شرایط را پیچیده و خطرناک می‌کند و چنانچه با دلایل واهی و نابجا زمینه‌ساز بروز بحران‌های داخلی شوند باید به‌صورت جدی تحت پیگیری دستگاه‌های امنیتی و قوه قضائیه برای پاسخگویی قرار گیرند.
پورغلام

* برای حل ریشه‌ای مشکلات اقتصادی، راهی جز پنجه در پنجه انداختن با آمریکا نداشتیم. باید به آمریکا ضربه می‌زدیم تا تحریم‌ها را از کار بیندازیم. چرا که اساسا گره تحریم‌ها با خواهش و مذاکره باز نمی‌شد. الان هم تحریم‌ها به آخر خط رسیده‌اند. فقط باید مواظب باشیم بازی را در دقیقه نود نبازیم.
عابد

* هوشیار باشیم. هر کس و هر جریانی که آتش خشم مردم را شعله‌ور و جامعه را به سمت التهاب بکشاند، یا نادانسته در زمین دشمن بازی می‌کند یا آگاهانه در لباس دوست، جاده را برای دشمن صاف می‌کند.
چوبک

* اولاً وقت جمع‌آوری کارت‌های سوخت الان نبود. ثانیا علت‌العلل قاچاق هم نیست. مملکت در این ماه‌ها هزینه سنگین پرداخت کرده است. چرا اجازه داده می‌شود با اظهارنظر افراد بی‌تدبیر برای مملکت مسئله درست بشود؟
شادکام